

طبقه‌بندی دیدگاه‌ها در جواز تشبیه معنایی در معماری بناهای مذهبی

الهه حسنخوئی^۱

مهدی حمزه نژاد^۲

چکیده

سؤال از نسبت ذات هنر و جلوه‌های گوناگون آن با اسلام از سؤالات کلیدی در موضوع هنر اسلامی است که بسیاری به آن پاسخ داده اند. سؤال این تحقیق آن است که با توجه به گوناگونی و تعارضات موجود در پاسخ‌های ارائه شده در بیان نظریه پردازان داخلی و خارجی، که منجر به سلیقه ای و غیرمحققانه شدن بسیاری از سیاستهای آموزشی و اجرایی چه در عرصه کشور و چه در سطح بین الملل گردیده چگونه می‌توان به یک وجه مشترک قابل دفاع از حدود هنر اسلامی رسید و نظر بنیانگذاران فرهنگ معاصر کشور به این دیدگاه جامع تا چه حد نزدیک است. در این تحقیق به عنوان نمونه مسئله حساس و پرمناقشه ترینات در بناهای مذهبی، براساس نگرش صاحب‌نظران جهانی هنر اسلامی و محققان و اسلام شناسان برجسته نگرش شیعی مورد بررسی قرار گرفته است. تا با رفع تعارضات، امکان انتخاب‌های صحیح تر و دقیق تر در حوزه هنر و معماری اسلامی از کلان تا جزء محقق گردد. در این مقاله با گونه شناسی و طبقه بندی تعاریف مربوطه سعی در ارائه تعریف جامعی از امکان تزئینات معنا گرا در هنر و معماری اسلامی مساجد معاصر شده است، که بتواند نقاط ارزشمند همه تعاریف را در هماهنگی با نگرش شیعه در خود جمع کند.

۱. دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد واحد مشهد، مدرس دانشگاه eli.khoui@gmail.com

۲. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت hamzenezad@iust.ac.ir

نظریه‌های حکمت عملی و کاربردی اسلام از میان فقه‌های شیعی انتخاب شدند و تلاش گردید تا نشان داده شود با وجود نظرات متنوع و تلقی‌های متفاوت، نظریه‌هایی هم راستای هم، در حکمت عملی و فقه شیعه درباره تزئینات مساجد معاصر وجود دارد. این پژوهش، نظریات مذکور را در چهار رده از ایجابی ترین تا سلبی ترین حالت دسته بندی می‌کند و تلاش دارد تا نشان دهد، در نظر امام خمینی رحمته الله علیه، (که می‌تواند به عنوان مبانی نظری هنر معاصر ایران اسلامی ایران در نظر گرفته شود) تا حدودی به این تفاوت توجه شده و براساس موضوع بناها، احکام متفاوت و متناسبی در مورد این تزئین بیان گردیده است.

مهمترین دستاورد نظریه سلسله مراتبی اخیر امکان جمع نظریه‌های گوناگون معماری اسلامی در موضوعات مختلف معماری دینی است. با این توضیح نظریات تنزیهی تر برای بناهایی همچون مسجد مناسب است و حساسیت‌های فقهی بیان شده در آن مورد را معنا می‌کند در حالی که در مزار یا مدرسه، رویکردهای تشبیهی تر در تزئینات مطلوب تر است و این از عدم محدودیت در بیان حکم قابل برداشت است. این تفکیک در ارائه حکم سبب می‌شود تا از ارائه احکام براساس مشابَهت و قیاس ذهنی پرهیز کنیم و تلاش نماییم معماری اسلامی را نزدیک تر به حقیقت اصلی آن و متناسب با سطح معرفتی مخاطب و نیاز روانشناسانه فضا در هر موضوع (تشبیه یا تنزیه) طراح‌ی نماییم. این نظریه زیربنایی برای تعریف سلسله مراتبی از معماری اسلامی را شکل می‌دهد که مهمترین رکن آن تفاوت حکم تزئین و تجملات تشبیهات معنایی در کالبد فضا در موضوعات بناهای مذهبی است و به نظر می‌رسد با اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه سازگار است.

▲ کلیدواژه

هنر اسلامی، معماری اسلامی، تشبیه، تنزیه، فقه

■ مقدمه

در تعریف هنر و معماری اسلامی، تعارضات جدی وجود دارد و برخی از آثار از دید پاره ای نظریه پردازان، اسلامی و از دید پاره ای دیگر، غیراسلامی است. در حقیقت رفع تعارض و رسیدن به نظریه ای جامع و در برگیرنده می تواند در شناخت صحیح از هنر و معماری اسلامی مفید واقع گردد و امکان انتخاب های دقیق تر در این حوزه را بدست دهد. پرسش اصلی جهت دهنده به این پژوهش آن است که می توان در میان نظریات به نظریه فراگیری دست یافت که علاوه بر اعتبار درونی و دقت کافی بر اندیشه های دینی، مجموعه بیشتری از تلاش های نظری و تاریخی عرصه هنر اسلامی را در خود جمع کند. نسبت هنر و معماری با اسلام از سؤالات مشهور و پرمشاجره در حوزه نظری معماری اسلامی است، و دسته بندی دیدگاه های حاصل از آن و بررسی تطبیقی در دستیابی به تعریف جامع کمک کننده است. رفع این تعارضات امکان انتخاب های صحیح تر و دقیق تر در حوزه هنر و معماری اسلامی را چه در عرصه ایران و چه در عرصه بین الملل بهبود می بخشد. پاسخ چنین سؤالی می تواند برای کلان ترین سیاست گذاران اجرائی و آموزشی هنر و معماری کشور تا طراحان و پژوهشگران هنر و معماری مفید باشد. چرا که ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، معنایی و... در جواب های مختلف آن، وضعیت متفاوتی پیدا می کند.

فرضیه نخستین این پژوهش آن است که بتواند تفسیری سه سطحی از معماری اسلامی

ارائه دهد. که در هر سطح راهبردهای متفاوتی در آن لازم باشد. این سه لایه که می‌توان آنها را معماری اسلامی ایجابی، معماری اسلامی سلبی و معماری اسلامی ایجابی-سلبی نامید براساس نوع نیاز کارکردی تعیین می‌شود و در عین حال با حساسیت‌های فقهی بیان شده در آموزه‌های اسلامی نیز سازگار است.

► پیشینه تحقیق

از آنجا که ماهیت این پژوهش، مرور تحلیلی و انتقادی نظریات برای رسیدن به نظر نهایی است بخش زیادی از مقاله به طور تفصیلی به تشریح پیشینه خواهد پرداخت. بسیاری از نظریه پردازان داخلی و خارجی، معماران معاصر و فقها به ارتباط هنر و معماری با اسلام پرداخته اند که از میان نظریه پردازان خارجی بورکهارت^۱، شوان^۲، گرابار^۳ با نگرش‌هایی متفاوت مباحثی را در این زمینه طرح کرده اند که با دسته بندی و تحلیل در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نظریه پردازان ایرانی نیز تعارضات جدی دیده می‌شود. این نگرش‌ها از حذف انتساب هنر به اسلام (تنزیهی) تا انتساب کامل (تشبیهی) همه آثار دوران اسلامی تنوع دارد. ملکیان از تنزیه گرایانه ترین نظریه‌پردازان است در حالی که در مقابل می‌توان به زهرا رهنورد، محمد مددپور و سید حسین نصر که دیدگاه‌های تشبیهی تری دارند نام برد. از میان معماران معاصر داخلی نادر اردلان و هادی ندیمی قائل به تجلی تئوری‌ها و مفاهیم اسلام در آثار و بناهای مذهبی هستند و علی آبادی در تضاد با آنان به جدایی کامل هنر دوران اسلامی از حقیقت دین تأکید دارد. در میان فقها نیز در این مقوله اجماع نظر وجود ندارد. برخی آیات عظام چون مکارم شیرازی را در دسته تشبیه گرایان و صادقی تهرانی را در تنزیه گرایان میتوان دسته بندی نمود و برخی چون جتاتی منکر تشبیه نمی‌شوند اما تنزیه را برآن مقدم می‌دانند. گروه آخر (امام خمینی)، جوادی آملی و بهجت برهنرو معماری تشبیهی- تنزیهی، تأکید دارند. به گونه ای که براساس موضوع، گاه تشبیه و گاه تنزیه را ضروری می‌دانند.

1. Burckhardt

2. Schuon

3. Grabar

▲ روش تحقیق

این تحقیق براساس رویکردی میان رشته ای و تطبیقی تنظیم شده و روش به کار گرفته شده در آن استدلال منطقی است. چنین تحقیقاتی تلاش دارند به شیوه ای خرد گرا و سامان یافته هر نظریه را با استفاده از مبانی آن تحلیل کنند و در نهایت نظریه نهایی را براساس مبانی نظری خود و در چهار چوب تکمیل نظریات قبلی ارائه دهد (گروت و وانگ، ۱۳۸۴: ۳۰۱) لازم است بخش‌هایی از تحقیق به روش میان رشته ای پیش رود. در این بخش‌ها میان آموزه‌ها و ارزش‌های دینی با هنر و تعامل و تناظر آن دو با یکدیگر بحث می‌شود. سؤالاتی مبنی بر اینکه آیا آموزه‌های دینی در شکل‌گیری هنر اسلامی نقش بنیادین داشته است (دیدگاه تشبیهی) یا اندیشه‌های دینی بر هنری تأثیر بوده است (دیدگاه تنزیهی) و هنر در دوران بعد اسلام دنباله رو روشهایی است که قبل اسلام وجود داشته است. و یا تحت تأثیر اسلام شکل گرفته است همه تحت چنین روشی باید پاسخ داده شوند (موسوی گیلانی، ۱۳۹۰: ۱۲) چنین روش‌هایی وقتی کارایی دارند که مبنای وحدت حقیقی علوم و ذومراتب بودن حقیقت پذیرفته شده باشد. بدیهی است که علوم مورد تطبیق در یک شأن نیستند و در مراتب مختلف قرار دارند و در تحقیق تنها تأیید آنها نسبت وحدت همراه با تنوع طولی را در علوم به نمایش می‌گذارد (قراملکی، ۱۳۸۵: ۴۱) برای تحلیل تعاریف معماری اسلامی و یا نسبت هنر و معماری با اسلام لازم است شاخصه‌هایی از اندیشه اسلامی که می‌توانند در کالبد هنر و معماری تأثیر محتوایی بگذارند شناسایی گردد. براساس آموزه‌های اعتقادی (عرفانی - فلسفی و کلامی) شاخص تشبیه و تنزیه برای بررسی این نسبت قابل توجه است. چرا که هدف هنر تشبیه کردن مفاهیم در کالبد است و دین به خاطر حساسیتی که به مفاهیم دارد حساسیت زیادی در مورد حدود مجاز تشبیه داشته است. در سده‌های نخستین اسلام کشمکش‌های نظری زیادی در تعریف حد تشبیه و تنزیه خدا وجود دارد (مطهری، ۱۳۷۹). براساس مباحث مربوطه چهار سطح از ایجابی‌ترین تا سلبی‌ترین حالت هنر قابل تفکیک است. در هر نظریه لازم است علاوه بر بررسی تطبیقی دیدگاه نظریه پردازان هنر و معماری به نظر اسلام‌شناسان مؤید آن نظریه نیز توجه گردد. اگر بخواهیم به نتایج کاربردی تحقیق فکر کنیم ناگزیریم به اندیشه فقها نیز در این عرصه توجه کنیم. چرا که دستور العمل‌های اجرایی زندگی اسلامی

توسط آنان مشخص می‌شود. فقها خاستگاه متفاوتی دارند و دیدگاه خود را براساس متون دینی شکل داده‌اند از اینکه دیدگاهی متناظر با هریک از نگرش‌های منتج از بررسی تطبیقی فوق را می‌توان درمیان فقها یافت و می‌توان جامعیت و فراگیری نسبی تقسیم بندی را نتیجه گرفت.

۱- سیری در نظریات موجود در زمینه نسبت هنر و معماری با اسلام

همانطور که پیشتر اشاره گردید دستیابی به تعریفی جامع در حیطه هنر و معماری اسلامی، مستلزم شناخت نسبت هنر و معماری با اسلام می‌باشد. لذا پیش از ورود به دسته بندی مطرح شده و طرح نظریات می‌توان به نمونه‌ای از دسته بندی‌های نزدیک به این دسته بندی اشاره کرد. زهرا رهنورد برداشتهای موجود در مورد نمادپردازی در هنر را به دو گرایش کلی تقسیم میکند که با تقسیم بندی ما بی ارتباط نیست:

۱. گرایش آبستره و انتزاعی (تنزیهی)

نگرشی که ایده‌های شباهت نما و شکل مادی دهنده به معانی را عامل دوری از درک حقیقت هنر اسلامی می‌دانند، زهرا رهنورد دیدگاه بورکهارت و سوامی، را از نمونه‌های آن می‌داند. و آن را اغراق آمیز و متأثر از افلاطون دانسته است که به پیروی از او اهمیت طبیعت را در هنر کم می‌دانند و بیشتر به عالم مثل و حقایق تجریدی و انتزاعی پایبندند (رهنورد، ۱۳۷۸: ۱۸).

۲. گرایش شکل‌گرا (فیگوراتیو) و طبیعی (تشبیهی)

به عقیده تشبیه‌گرایان وظیفه هنر تشبیه مفاهیم مجرد هستی درک‌البد است و بنابراین تجربه عمیق زیبایی الهی تنها از طریق هنر اسلامی درک می‌شود و نظریه شوان را در این جایگاه قرار می‌دهد. چرا که شوان در ذات طبیعت، حقیقت برملاشدنی اشیاء را در می‌یابد که می‌توانند در قالب صور و اشکال ملموس طبیعت گرایانه هویدا شوند. مشاهده‌ی کمابیش صحیح طبیعت می‌تواند با هنر سنتی و بنابراین با هنر رمزی و قدسی منطبق افتد (همان:

(۱۹).

زهرارهنورد خود راه سومی را پیشنهاد می‌کند که جامع هر دو نظر باشد و هم ظاهر طبیعت و هم معنای اشارت ماورایی را به همراه داشته باشد و آن را «نگرش آیه ای» می‌داند (همان:

(۱۷).

نگرش آیه ای از دید او، نحوه ای از نگرش به اشیاء و پدیده‌های هستی است. به گونه ای که آن اشیاء و رویدادها را دارای معانی والا و اشاره ای به حقیقتی برین و متعال بیاییم. چرا نتوان حتی از نوع سامان یافتن اسلیمی‌ها و ختایی‌ها و نقوش رمزی، تأویلی جامعه شناختی یا معرفتی براساس اعتقادات اسلامی ارائه داد و از افق قدس به زمین و از عالم محسوس به عالم ملکوت راه یافت؟ (رهنورد، ۱۳۷۸: ۲۵).

به نظر می‌رسد دیدگاه جامع پیشنهادی او اگرچه جامع تشبیه و تنزیه است ولی تعبیر آیه ای که رهنورد برای آن برگزیده جای تامل بیشتر دارد. چرا که این جمع چیزی بیش از دو نظریه در بر ندارد و از مفهوم شهودی و متعالیه مضمون آیه چندان بهره نبرده است. در قرآن کریم در موارد متعدد هستی دارای دلالتی آیه ای به وجود الهی معرفی شده است. (فصلت ۵۳ و...) حکمای اصالت وجود همچون ملاصدرا در تشریح معنای دلالتی آیه ای از دلالت وجودی و اتصال وجودی و... استفاده کرده اند که مفهومی بسیار عمیق ترو جانع تراز تشبیه و تنزیه در بردارد که در آنها مفهوم غیریت درک می‌شود. (ملاصدرا، ۱۳۹۲: ۵۸۳)

۲- تعریف‌ایجابی از معماری اسلامی

نظریاتی که قائل به تجلی کامل تئوری‌ها و مفاهیم اسلام در آثار هنری و بناهای مذهبی هستند، تئوری تشبیهی نامیده می‌شوند. با توجه به اینکه خداوند حسن و زیبایی را در همه اشیاء آفریده است، هنر اسلامی، درك و تجربه عمیق این زیبایی را در آثار سنتی ممکن می‌سازد (نصر، ۱۳۸۶: ۱۴).

۲-۱- بررسی دیدگاه‌های ندیمی

گروهی از نظریه پردازان همچون هادی ندیمی ارتباط تنگاتنگی را بین اسلام و هنر اسلامی

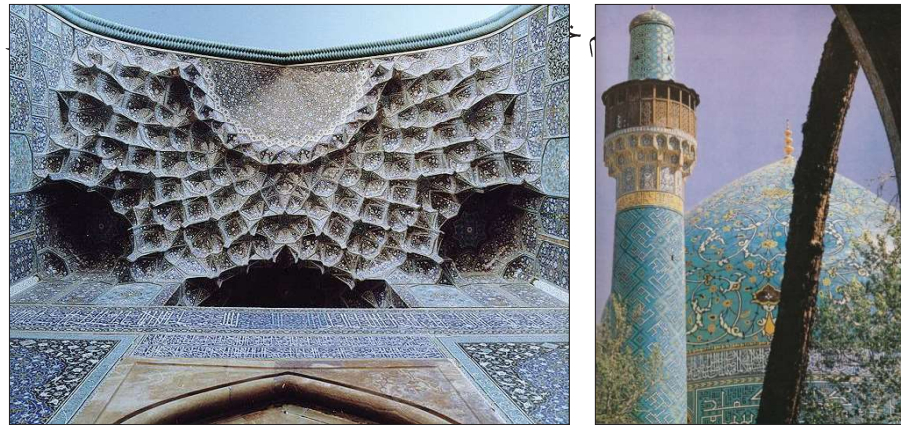
می‌بینند. به عقیده آنان در اسلام دین و دنیا چندان از هم جدا نیست و فرمانروایان تلاش داشتند اندیشه‌های دینی را در تصمیم‌گیری‌ها مد نظر قرار دهند. در عین حال اگر سیر حکومت‌ها در برخی دوره‌ها هم به بیراهه رفته باشد از آنجا که هنر تنها از جنبه باطنی دین تغذیه می‌کند، هنرمندان با بهره‌گیری از حلقه‌های عرفانی و معنوی حکیمان و عالمان، روح هنر اسلامی را درک و ارائه می‌کردند. (تصاویر ۱ و ۲). پس به جرأت می‌توان گفت که بسیاری از مظاهر هنر اسلامی همچون قطعه‌ای خوشنویسی یا یک محراب و گنبد و... جلوه تجسم یافته حقیقت اسلام هستند.

«رمز به صورت یک نردبان معنایی عمل می‌نماید که پله پله ادراک انسان را به حقیقت وجود عروج می‌دهد. اگر این توسعه تدریجی و رمزی در معنا نبود، وجود محدود نمی‌توانست امکان ادراک دفعی نامحدود را داشته باشد، رجوع اصلی رمز به عالم اسماء است که عین ثابت ماهوی رخ می‌نماید و رمز قابلیت تأویل می‌یابد.» (ندیمی ۱۳۷۸: ۳۷۳).

۲-۲- بررسی دیدگاه سید حسین نصر

به عقیده وی شریعت نمایانگر تجسم خواست الهی است و به انسان می‌آموزد چگونه مطابق با خواست خداوند عمل کند، هنر اسلامی دستاورد اصولی است که به انسان می‌آموزد... از طریق چیزی که می‌سازد و اشیایی که زندگی‌اش را دربر گرفته‌اند، همواره کلام خداوند را به یاد داشته باشد (نصر، ۱۳۸۶: ۱۶).

نصر رابطه بسیار قوی بین اسلام و مظاهر آن از جمله معماری دوران اسلامی را ادعا دارد و در چند بخش از نوشته‌هایش می‌گوید: «اگر سؤال شود که اسلام چیست، در پاسخ می‌توان، به محراب مسجد قرطبه در اسپانیا، صحن مسجد سلطان حسن در قاهره یا گنبد مسجد شاه در اصفهان اشاره کرد، البته مشروط بر اینکه پرسش‌کننده قادر باشد پیام نهفته در این بناها را دریابد. همچنین می‌توان به جلد‌ها یا تذهیب‌های حاشیه قرآن‌های به جا مانده از دوران مملوک یا ایلخانی و نیز خوشنویسی متن این کتاب مقدس اشاره کرد. یا در مرتبه‌ای باطنی‌تر، سماع صوفیان را می‌توان مثال آورد که طی آن انسان مستقیماً در محضر پروردگار



■ تصاویر ۱ و ۲- گنبد مدرسه چهارباغ و سردر مسجد امام اصفهان. نصر می‌گوید اگر نمیدانستیم فیلسوفان بزرگی در عصر صفویه می‌زیستند وجود این آثار بهترین گواه بر وجود اندیشه فلسفی در این دوره است

۲-۳- بررسی دیدگاه‌های تشبیه‌گرا

پاره‌ای از اسلام شناسان راه معرفی اسلام را تشبیه محتوی آن در حدّ عموم مردم می‌دانند. و چهارچوب این تشبیهات را براساس عرف زمان مشخص می‌کنند. به اعتقاد این دسته، در فرهنگ اسلامی، میان حکومت و زندگی مادی با زندگی معنوی و عبادی فاصله‌ای نیست و آثار هنری منتسب به حاکمان و شاهان از مصادیق هنر اسلامی است. چرا که نمایشی از قدرت و اقتدار اسلامی است (موسوی گیلانی، ۱۳۹۰: ۲۱۶). چنان که در نظر برخی فقها از جمله آیت الله مکارم شیرازی تشبیه در بنا را، که معرف هیبت و شکوه شیعه است، مجاز شمرده شده و مورد توصیه قرار گرفته است. ایشان در پاسخ سؤالی که در مورد حکم ساخت مسجد با هزینه گزاف پرسیده بود می‌فرمایند:

اسراف و تبذیر در هیچکاری پسندیده نیست ولی اگر مسجدی است که نشانه شکوه

۱. با این همه نصر در بیان مساجد ساده اولیه و بعد تنزیهی حاکم بر آنها توضیح قابل توجهی بیان نموده است به گفته او: «اگرچه برخی هنر صدر اسلام را فاقد نماد یا ضد نماد معرفی می‌کنند، اما پذیرش این امر چندان آسان نیست. چرا که سادگی مساجد اولیه اسلامی هرگز به معنای بی توجهی به نماد و رمز نیست، بلکه این خود جلوه و نمادی از بعد تنزیهی حضرت حق و سادگی و بساطت آن و همچنین فقر معنوی انسان است. هرگز نباید مفهوم و نماد را با پیچیدگی و تزئینات یکی گرفت و چه بسا که خلوص و سادگی خود مهمترین نمادهای اسلامی باشند.» (نصر ۱۳۷۵: ۱۸۱)

و عظمت شیعه است مصداق اسراف نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱). چنین برخوردی را می‌توان در مساجدی که تحت نظارت ایشان ساخته و بهره برداری گردیده مشاهده کرد. چنین نگرشی در میان فقیهان امروز رواج قابل توجهی دارد. چراکه سبب توسعه و کارآمدی بیشتر دین می‌گردد. به طور مثال دیدگاه آیات عظام روحانی و صناعی به این دیدگاه نزدیک است. (مصاحبه‌های شخصی مولف، ۱۳۹۳) با این توصیف تفاوت و تعارض جدی بین آموزه‌های نظریه پردازان پیشین و این فقها وجود ندارد.

۳- تعریف سلبی از معماری اسلامی (بی ارتباطی)

بسیاری از متفکران اسلامی بیش از آن که هنر اسلامی را عاملی برای نزدیک کردن انسان به افق مجردات و مفاهیم انتزاعی بدانند مزاحمی مادی کننده و محدود کننده مفاهیم در چهارچوب محسوسات معرفی می‌کنند. نظریه پردازان این تئوری معتقدند که اندیشه‌ها و آموزه‌های اسلامی را نباید به عنوان رکن و پایه شکل‌گیری هنر اسلامی و با اثری جاویدان و مقدس و مایه تقرب به مفاهیم دانست، بلکه برخی از نشانه‌های دینی تنها به عنوان یکی از عوامل تاریخی و جزئی از وضعیت دوران در کنار دیگر شاخص‌ها بر هنر اثرگذار بوده است (موسوی گیلانی، ۱۳۹۰: ۷۶). بنابراین اساساً اسلام چندان بعد هنری ندارد و مقدسات معنوی از مظاهر مادی منزّه هستند. هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و برای جذب مخاطب نباید از هیچ گونه ابزاری که جلوه‌ی تشبیهی به بنا بیخشد استفاده کرد. سوای مستندات قرآنی که در ادامه نقل می‌شود، نگاه عارفانی که مراحل سلوک را در گامهای نخست کاملاً خلوص گرایانه توصیف می‌کنند، مبنای این نظریه خواهد بود.^۱ این عارفان اجازه هرگونه سطحی نگری و مجاز گرایی را حتی در مراحل مقدمات نمی‌دهند و مقتضای غیور بودن حقیقت را نفی هر مظهر مادی و توجه راستین به حقیقت محض می‌دانند.

۱. به طور مثال چنین نگاهی از مولوی قابل توجه است: عشق از اول سرکش و خونی بود تا گریزد آنکه بیرونی بود

۳-۱- بررسی دیدگاه مصطفی ملکیان:

از میان نظریه پردازان معاصر ملکیان با بیانی خلوص گرایانه، تعارض اسلام با هنر و معماری موجود در تمدن اسلامی را مطرح نموده است. به گفته او: «تمام افتخارات در حوزه تمدن و هنر اسلامی به قیمت عدول و انحراف از احکام و تعالیم دین بوده است... اگر ما مسلمین تصمیم می‌گرفتیم مثل سلمان فارسی مسلمانی بورزیم نه شعر در فرهنگ اسلامی رشد می‌کرد و نه فلسفه و نه پاره‌ای هنرها که در دنیای اسلام بالیدند مثل معماری... رواج شعر و دیگر عرصه‌ها به قیمت روی گردانی از احکام و تعالیم اسلامی رخ داده است اگر نگوییم تعالیم اسلامی نسبت به شاعران دیدگاه منفی دارند حداقل دیدگاه مثبتی ندارند.» (ملکیان، ۱۳۸۰: ۳۸)



■ تصویر ۳ و ۴: محراب و گنبد مسجد شیخ لطف الله اصفهان یکی از نقاط اوج معنا سازی از طریق تزیینات در هنر و معماری اسلامی است.

به زعم ملکیان تمامی این آثار با عدول و زیر پا گذاشتن ارزشهای مورد تأکید اسلامی به دست آمده اند، نگارندگان

ملکیان به طور مثال دیدگاه قرآن کریم را راجع به شعرا بیان کرده و آن را تا حدودی با اشعار موجود در تمدن اسلامی در تعارض می‌داند. خداوند در قرآن کریم درباره شاعران این گونه می‌فرماید:

«و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند. آیا ندیده‌ای که آنان در هر وادی سرگردانند. و

آن‌اند که چیزهایی می‌گویند که انجام نمی‌دهند. مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آنکه مورد ستم قرار گرفته‌اند یاری خواسته‌اند و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه برخوانند گشت.^۱ [سوره شعرا ۲۲۴-۲۲۷]

ملکیان به این توجّه نمی‌کند که در آیات فوق چهار شرط برای شعرا سلامی مطرح شده که عبارتند از ایمان، عمل صالح، ذکر خدا و یاری مظلوم. این استثناء امر کمیابی نیست و در زمان پیامبر و پس از آن شاعران حکیم فراوانی را می‌توان در چهار چوب حکیمانه معرفی نمود.^۲ او به این توجّه نمی‌کند که اگر چه در این آیات بعد تخدیر گرایانه و غیر هدایت‌گرانه ای برای شعر توصیف شده ولی در پرتو استثنایی آیه و متون تفسیرگران گونه ای از هنر حکیمانه اجازه ظهور یافته که تنها به کمک آن می‌توان لایه‌های پنهان حکمت را به زبان بشر تبدیل کرد.

۳-۲- بررسی دیدگاه اولگ گرابار

گرابار مبنای تشبیه و تنزیه در هنر قدسی را با جزئیات خوبی براساس آیات قرآن تعیین می‌کند. از نظر او ارزش و جایگاه هنر از دیدگاه قرآن را می‌توان در سه دسته آیات مطالعه کرد: ۱. آیات تشبیهی: از آیات قرآن برمی‌آید که شیوه حضرت سلیمان - به طور مثال « تماثل و » محاریب ساخته شده در معبد سلیمان - شیوه ای تشبیهی داشته است. به طور مثال آیات زیر:

[آن متخصصان] برای او هر چه می‌خواست از نمازخانه‌ها و مجسمه‌ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگ‌های چسبیده به زمین می‌ساختند.^۳ [سوره سبا/ ۱۳]

۱. وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ . أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ . وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ . إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَغْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ [سوره شعرا ۲۲۴-۲۲۷]

۲. به نوشته امینی، باب تکریم و ترویج شاعران متعهد را نخست بار، خود رسول اکرم ﷺ در مدینه گشود. آن حضرت شعر عمویش ابوطالب را بارها یادآوری می‌کرد و در روز غدیر نیز حسان بن ثابت را فراخواند و منبری برای او نهاد و به دستور پیامبر اکرم ﷺ بر فراز آن ایستاده و چکامه اش را در باره غدیر برانبوه مسلمانان برخواند. (امینی، ۲۴، ۱۳۶۸-۱)

۳. يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ [سوره سبا/ ۱۳]

کاخی مفروش از آبگینه.^۱ [سوره نمل/۴۴]

۲. آیات تنزیهی: در آیات قرآن شیوه حضرت ابراهیم در دعوت به توحید کاملاً تنزیهی معرّفی شده است. به طور مثال آیه ای که مکرراً برای بیان ممنوعیت تصاویر به کار می‌رود آیه ۷۴ سوره انعام است که در آن حضرت ابراهیم عليه السلام، که در سنت اسلامی مقدّس تراز سلیمان است، به پدر خویش آزر می‌گوید:

و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر خود آزر گفت آیا بتان را خدایان [خود] می‌گیری من همانا تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می‌بینم.
این آیه را باید با آیه سوره مائده مرتبط دانست که در آن بت‌ها (انصاب) همراه با شراب و قمار «پلیدی‌هایی از اعمال شیطان» قلمداد شده اند.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید باشد که رستگار شوید. (۹۰)
دو آیه معمولاً اعلام مخالفت با تصاویر تلقی شده اند، اما درست تر آن است که آنها را بیان مخالفت با بت‌ها، یا هر شکل و شمایل مقدّس به حساب آورد.^۲ (گرابار ۱۳۸۴: ۶۵)

۳. آیات جامعیت: گرابار نهایتاً نظر نهایی را با استناد به حضرت عیسی عليه السلام به صورت زیر توضیح می‌دهد:

در بیان قرآن حضرت مسیح در هنگام ارائه معجزه خود خطاب به مردم فرمودند:
در حقیقت من از جانب پروردگارتان برایتان معجزه‌ای آورده‌ام، من از گل برای شما

۱. صَرَخَ مُمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ [سوره نمل/۴۴]

۲. گرابار در بعد تنزیه نظریه ضد تجملی بودن اسلام را هم مطرح نموده است. به گفته او: «گفته می‌شود آموزه‌های به نام «مخالفت با تجملات» از قرآن استخراج شده است، که میتوان آن را آرمان زهد معقول در حیات فردی و اجتماعی نامید. پیش فرض این آموزه آن است که هنریک نوع تجمل است. نکته ای که شدیداً در طول قرون از سوی فرقه‌های بنیادگرا و با درجه کمتری در نزد اخلاق‌گرایان مورد تأکید قرار گرفته است. این آموزه در هرگونه نهضت مذهبی توده گرا، همچون صدر اسلام رواج بسیار دارد؛ اما به سختی می‌توان برای این آموزه‌ها در خلال اعصار بعدی دوام و اعتباری قائل شد و حتّی مبنای قرآنی آن نیز تا حدودی غیر قطعی است.» (همان)

[چیزی] به شکل پرنده می‌سازم. آنگاه در آن می‌دمم پس به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود. (سوره آل عمران آیه ۴۹)

در اینجا مشخص است که عمل بازنمایی تنها در صورتی معنا خواهد داشت که به آن بازنمایی، حیاتی اعطاء شود. از آنجا که بخشیدن حیات فقط در اختیار خداوند است، تنها با اجازه اوست که خلق پرنده سه بعدی جاندار محقق می‌شود.

در آیه فوق ۲ نکته حائز اهمیت است:

پرنده ساختن از گل بر بعد تشبیهی دلالت دارد.

به اذن خداوند عملی را انجام دادن بر بعد تنزیهی عمل دلالت دارد.

او در جمع بندی استدلال‌تش ارتباط ضعیفی بین معماری و هنر تمدن اسلامی با قرآن می‌بیند. به گفته او:

« به رغم برخی از استدلال‌های مخالف، توضیح تحولات هنر اسلامی بر حسب آموزه‌های مستخرج از قرآن، کار دشواری است. این دیدگاه تنها در ظاهر درست می‌نماید؛ زیرا بسیاری از مسائل نادیده گرفته شده‌اند. در عوض به نظر می‌رسد که هنر اسلامی، از تصادم پیچیده یک اخلاق جدید با فرهنگ‌های بالغ جهان و میراث بصری غنی آن مایه می‌گیرد.» (گرابار، ۱۳۷۹: ۶۷).

جهانی که آموزه‌های وحیانی قرآن در آن نازل شد جهانی نبود که آثار هنری را بشناسد یا به گونه‌ای برای آن ارزش قائل باشد و تنها در احادیث نبوی به اختصار، از تعداد کمی پارچه زینتی که به اطرافیان پیامبر اکرم ﷺ تعلق داشت اشاره شده است و قرآن آشکارا درباره هنرها سخن نگفته است و مواضع نظری یا آرائی کاربردی درباره آثار هنری، تنها برداشتی از آیات قرآن است. (vol ۱: ۱۶۲, ۲۰۰۱, grabar) دین اسلام بیشتر مایل است پیام‌های خود را از طریق مفاهیم، اعم از صداها و رفتارها و یاد تاریخی بیان کند تا از راه نمادهای بصری و معمارانه (گرابار، ۱۳۸۶: ۱۳).



■ تصاویر ۵ و ۶ - سر در خانقاه شیخ عبد الصمد نطنزی

بازی با رنگ و تزئینات متنوع بعد تشبیهی بنا را تقویت کرده که از دید تشبیه گرایان زمینه توجّه به خدا و مظاهری از نمادهای معنوی و آسمانی است و از دید تنزیه گرایان بت سازی و عامل دور شدن از معنویت و به همین جهت مذموم و غیر اسلامی است (۱۳۸۸). نگارندگان

۳-۳- بررسی دیدگاه فقهای تنزیه گرا

چنین دیدگاهی را می‌توان در نظر برخی فقها چون آیت الله صادقی تهرانی نیز مشاهده نمود ایشان در استفتائی مبتنی بر استفاده از تزئینات در مساجد و مقابر چنین فرموده اند: «مسجد که محلّ عبادت مسلمانان است نباید زینتهایی بیش از عرف معمول که جلب نظر کند، داشته باشد. زیرا این زینتها برخلاف عبادت است و باید بطور معمولی ساخته شود...» (صادقی تهرانی، ۱۳۸۹: ۱).

«حرم رسول خدا ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام بایستی مشخص و شایسته نگرش باشد ولی تزئینات و زیاده رویها در ساختمان آنها بی جاست و مساجد و مقابر نباید طوری ساخته شود که تبدیل به تفریحگاه شوند...» (همان، ۱).

«اینها (گنبد و ضریح و طاق) زوایدی است که مورد اجازه شرع نبوده و با وجود مستمندان بسیار، اینگونه تزئینات هرگز نه رجحان دارد و نه حتّی يك روایت درباره اینگونه تزئینات که برای مکانهای مقدّس تحقّق یافته نداریم...» (همان، ۲).

۴- تئوری تقدّم ایجابی برسلبی

هنردینی (قدسی) مانند هنر اسلامی همواره شامل عاملی جاویدان و ابدی می‌باشد. (بوکهارت، ۱۳۷۶: ۶۶) تئوری پردازان این گروه تا حدودی آزادی عمل بیشتری را برای به کار بردن تشبیه یا تنزیه در بنا قائل هستند. از نظر این گروه کاربرد تشبیه و تنزیه به رویکرد مخاطب بستگی دارد و کاملاً مخاطب محور است. از نظر این گروه هرچه درک عامّه مردم بالاتر بود نیاز به تشبیه کمتر می‌شود. و تشبیه برای انسانهای مهجور از حقیقت و عقلانیت و اسیر تصاویر خیال انگیز ضروری است. حضور پیامبر سبب می‌شد نیاز به بعد تشبیهی و مجال تزیین و معنا سازی تشبیهی از بین برود و در خلال سالهای بعد به تدریج با دوری از آن اندیشه‌های تابناک تزیین و تجمل تشبیهی عیان شد. این نظریه پردازان جذب هنر به اسلام را شبیه سیر مراتب عرفانی سیراز تشبیه به تنزیه می‌دانند که گامهای نخست آن ساده ترو عمومی تر است و به تدریج دقیقتر و سخت ترمی شود. به تعبیر حافظ:

۴-۱- بررسی دیدگاه بوکهارت

بوکهارت، هنر اسلامی را هنر انتزاعی، نمادین، رمزگونه و معنادار می‌داند. انتزاعی است چون مسلمانان نمی‌توانستند اساسی ترین باور خود یعنی توحید را بصورت تصویری و شمایل نگاری بیان کنند: «اسلام، مبتنی بروحدانیت خداوند است که با هیچ تصویری قابل نمایش نیست. (Burckhardt, ۱۳۵: ۲۰۰۱, nasr, ۱۹۹۹: ۱۴۴) و تقلید از خالق بصورت ساختن صورت موجود زنده، کفر و دور از ادب بود و موجب گشت تا هنر ناتوالیستی و واقع گرایانه در تمدن اسلامی شکل نگیرد و این جنبه انتزاعی آنان را به سوی نماد و رمز که فعالیت و خلاقیت قوه خیال بود کشاند (بوکهارت، ۱۳۸۴: ۲۸۳).

بنابراین آموزه‌های وحیانی، زبان صوری و محتوایی خاصی را به هنر اسلامی بخشیده است و با طرح مبانی و ایده‌های دینی که جاویدان و ابدی است، قلمرو و چارچوب هنر را تعیین نموده است. هنر اسلامی تنها برآمده از احساسات و عواطف دینی نیست بلکه بر شهود عقلی و حکمت استوار است و آن معنا و محتوای هنر اسلامی را تعیین میکند (بوکهارت، ۱۳۷۶: ۷۶).

بورکهارت اگرچه گستره عظیم هنر و معماری تشبیهی اسلامی را می‌پذیرد و برای زبان محتوایی آن تئوری پردازی کاملی ارائه نموده است ولی نمی‌تواند از اشکالاتی که در مورد مقبره سازی و مزارسازی بر اساس فقه اهل سنت بگذرد. او تاحدودی این کار را انحراف دانسته و به بیان زیر به توجیه آن می‌پردازد.

«این پدیده که در سرزمین‌های اسلامی آرامگاههای بسیاری دیده می‌شود، مخالف تعلیمات اسلام است که بر کشیدن و برافراشتن مردگان در آن وجود ندارد. حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ هست که «زیباترین گور آن است که از بسیط زمین محوشده باشد.» و در قرآن مجید آمده است که «همه آنها که بر آن (زمین) هستند رفتگانند و تنها چهره‌ی خدای توباشکوه و اکرام می‌ماند.» (سوره الرحمن، آیه‌های ۲۶ و ۲۷). این تناقض را می‌توان با دو عامل توجیه کرد که از لحاظی می‌تواند روشن‌گر باشد. نخست خواهش نفس فرمانروایان است بر یادگار گذاشتن نام خویش تا جاودان. این آرزو و خواهش بر کشیدن خویشتن شاید سراسر اسلامی نباشد، اما به هر صورت امری طبیعی است به امید آنکه روان از نیایش ادا شده توسط زائران مزار سود برد. دومین عامل که به دنبال اولی می‌آید و عبارت از آرزومندی مؤمنان به سپاس از پاکان و نیاکان و اولیاء الله که به دیده‌ی ایشان همچون پادشاهان راستین جهانند و برامیران برتری دارند. افزایش شمار آرامگاهها همزمان است با قدرت فرمانروایان سلجوقی که شاید ایشان رفتار و آدابی را که در آسیای میانه در میان نیاکانشان جاری بود به همراه آورده بودند و گورهای ایشان مانند بیورت‌های تشریفاتی است (بورکهارت ۱۳۶۵: ۱۰۵).

به گفته او «تکرار کتیبه‌های مأخوذ از آیات قرآن کریم بر روی دیوارهای مساجد و سایر ابنیه، انسان را یادآور این حقیقت می‌سازد که تار و پود حیات اسلامی از آیات قرآن تنیده شده و از لحاظ معنوی مٔکی بر قرائت قرآن و نیز نماز و اوراد و اذکاری است که از آن کتاب اسلامی اخذ شده است.» (بورکهارت ۱۳۶۵: ۱۱۰).



■ تصاویر ۷ و ۸ - تجمّلات و تزئینات بارگاه امام رضا علیه السلام،

بورکهارت تجمل و شکوه در آرامگاه‌ها را مخالف تعلیمات اسلام می‌داند. با این حال با ذکر دلایلی همچون تشویق مخاطب برای فاتحه خوانی و تصویرگری مقام بهشتی فرد زیارت شده مزارهای تاریخی را می‌پذیرد (بورکهارت، ۱۳۷۶).

۴-۲- بررسی دیدگاه فریتهوف شوان

شوان نیز همچون بورکهارت به ابعاد تنزیهی هنر اسلامی آگاه است و آن را به هیچ وجه مانع و مزاحم هنرنمی‌داند. بلکه هنر تشبیهی در چهار چوب محدوده مجاز، گستره عظیمی از هنر قدسی ارائه می‌نماید. به گفته شوان:

«... هنر اسلامی در حذف تصاویر انسانی و حیوانی، با هنر یهودی مشابهت دارد، اما از لحاظ مبدأ آن، این هنر از صورت ظاهری کتاب آسمانی سرچشمه می‌گیرد، یعنی از حروف مشبک آیات قرآنی. و نیز گرچه ممکن است عجیب بنماید، از تحریم کردن تصاویر، این محدودیت در هنر اسلامی با حذف برخی از امکانات، خلاقیت برخی دیگر را شدت بخشید. مخصوصاً که تصویر گیاهان به وضوح، مشروع اعلان شده بود. اهمیت طرح‌های اسلیمی و تزئینات هندسی و گیاهی از اینجاست.» (شوان، ۱۳۷۶: ۱۲)

هنر دینی اکثراً هدف زیبایی ظاهری را نادیده می‌گیرد و زیبایی آن بیش از هر چیز از حقیقت معنوی و بنابراین از دقیق بودن جنبه تمثیلی آن و نیز از فایده آن برای اعمال آئینی و مشاهده عرفانی سرچشمه می‌گیرد (شوان، ۱۳۷۶: ۹۷).

نمادگرایی زبان نیست و متافیزیک است و آموزه‌های عرفانی و نظام متافیزیکی همواره

بیان سادگی و بساط نماد و پیچیدگی اندیشه قرار گرفته است به گونه ای که کاربرد نماد و رمز بهترین راه تبیین حقایق باطنی و عمیق دانسته می‌شد (Schoun, ۱۸۰: ۱۹۶۳).

۵- تئوری تقدّم سلبی برایجایی

این گروه از نظریه پردازان برخلاف نظریات رایج، برای عموم تنزیه را بر تشبیه مقدّم می‌دانند و معتقدند هرچه سطح درک زائران و مؤمنان بالاتر باشد تشبیه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (احتیاط گرایان). آیه زیر از سوره ی صافات مبنای نظریه‌ی این گروه است. که براساس آن تنها بندگان پاک و برگزیده خدا اجازه توصیف خدا را دارند:^۱

«خدا منزّه است از آنچه در وصف می‌آورند. به استثنای بندگان پاک دل خدا». [سوره الصافات، آیه ۱۶۰]

مفسران در توضیح استثنای بیان شده که بندگان برگزیده خدا را دارای شایستگی توصیف می‌داند نکات دقیقی بیان نموده اند.

به تعبیر آنان هرکجا سخنی از گمراهان و منحرفان پیش آمد، حساب بندگان پاک را جدا کنید. تمامی انسان‌ها به جز بندگان برگزیده خداوند از توصیف شایسته ی او ناتوانند ولی بندگان خالص با خلوصی که پیدا کرده اند امکان انعکاس و پژواک صفات الهی را در وجود خود پیدا کرده اند که این نوعی توصیف الهی تلقی می‌گردد. (تفسیر نور، ۱۳۸۸: ۶۷)

۵-۱- بررسی دیدگاه محمد مددپور:

محمد مددپور به وضوح دو جریان هنر دینی و هنر سکولار را در دوران اسلامی تشریح می‌کند. و حجم هنر غیراسلامی دنیای اسلام را قابل توجّه می‌داند. به گفته او سیطره دین در دوران اسلامی بسیار کمتر از سیطره آن در دوران مسیحیت است. از این رو میزان مسیحیت هنر مسیحی بیش از میزان اسلامیت هنر اسلامی است.

۱. تمامی سخن عارفان را که مراحل آغازین سلوک را کاملاً پرهیزگاران و تنزیهی برای حذف رذایل اخلاقی توصیف می‌کنند باید از همین سنخ اندیشه دانست:

فتوی پیرمغان دارم و قولیست قدیم / که حرام است می‌آنجا که نه یارست ندیم (حافظ)
من آن نیم که حلال از حرام نشناسم / شراب با تو حلالست و آب بی تو حرام (سعدی)

به نظر می‌رسد احتیاط او قابل توجه است و نباید خوش بینانه به طور مطلق هنر دوران اسلامی را تقدیس نمود، چرا که مظاهر و بقایای فاخر باقیمانده آن عمدتاً حاصل روحیه رفاه طلبی برخی اشراف و شاهزادگان است.

به گفته او: «ارتباطی که تشکیلات رسمی روحانیت عیسوی با آثار هنری داشته اند، در اسلام اتفاق نیفتاده است و همین دوری روحانیت اسلامی به هنر موجود در تمدن اسلامی در بعضی جهات وجه غیردینی بیشتری به آن داده است، تا آنجا که از نمونه حقیقی مورد تأیید متفکران اسلامی در حوزه‌های تجسمی و معماری کمتر می‌توان سراغ گرفت. البته این بدان معنی نیست که هنر دینی و معنوی حقیقی با تمیزی که قبلاً بدان اشاره کردیم در تمدن اسلامی به ظهور نیویسته است. خیر سخن این نیست، بلکه سخن از ارتباط روحانیت با کل آثار هنری است، آنچنان که در تمدن مسیحی، رخ داده و حتی نهایتاً به افراط رفته و در آرای شوراها و متفکران رسمی بسیاری از این آثار نظیر آیکون‌ها واجد معنایی متعالی تلقی گردیده و شایسته توسل برای تقرب به عیسی و خدا شده اند. قدر مسلم این است که دخالت مستقیم روحانیت در هنر مسیحی آن را به معنی اصیل لفظ دینی نمی‌کند. اما به هر تقدیر موجب دینی تر شدن آثار و تجربه‌های هنری می‌شود و جدایی از نظارت مستقیم متفکران دینی و اهل تفقه آن را از حکمت و تجربه ی دینی دورتر می‌کند.» (مددپور، ۱۳۷۴: ۱۲۸)

۵-۲- بررسی دیدگاه فقه‌های احتیاط‌گرا

عظمت مساجد، به زنده نگهداشتن آنها، با یاد خدا و امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد مردم به راه مستقیم است، نه به دیوارهای بلند و قبه‌های رفیع و ستونهای برافراشته و گلدسته‌های سربه فلک کشیده ... از همین جاست که گرچه شکوه ظاهری و هنری و معماری مساجد افزایش یافته ولی در جان بیننده، آن هیبت و زیبایی و جلال را بر نمی‌انگیزد. «مسجد پیامبر در صدر اسلام، با آن وضع ساده ای که داشت، آن هیبت و عظمت معروف را دارا بود، بدون اینکه سادگی، از قدر و جلال آن بکاهد. در عین حال، هنر و زیبایی و تزئینات و شکوه معماری و عظمت بنای مساجد دیگر هم باعث بالا رفتن ارزش مساجد دیگر نشده است...» (جناتی، ۱۳۹۱: ۴۰)

این نوع نگاه تنها در فقهای شیعه نیست و بسیاری از فقهای اهل سنت از قبیل الامام ابوبکر احمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خالد بن عبید الله العتکی المعروف بالبزار و همچنین صبری عبد الخالق الشافعی، مؤلف و محقق کتاب (البحر الزخار) نیز بر همین شیوه فتوی داده اند. «اسلام از تزئین مساجد نهی کرده، زیرا هدف از ساختن مسجد، حفظ مردم در مقابل سرما و گرماسی و تزئین مساجد، دلها را از روی آوردن به طاعت، باز می‌دارد و خشوعی که بمنزله ی روح عبادت است از بین می‌رود. از «البحر الزخار» نقل شده که: تزئین حرمین (مدینه و مکه) با رأی و نظر موافق علماء نبوده بلکه دولتمردان جبّار، بدون اجازه گرفتن از اهل فضل، آن را انجام داده اند و مسلمین و علماء هم، بدون رضایت سکوت اختیار کرده اند. و فقها گفته اند که: صرف موقوفات در آرایش و تزئین مساجد با طلا و رنگ آمیزی جایز نیست.» (البحر الزخار، ۱۹۵)

از فقهای معاصریش از همه آیت الله جناتی در مقاله ای به شکل گسترده به این موضوع پرداخته است. به گفته او «مساجد کاخهایی برای افتخار نیستند، بلکه برای خضوع و خشوع و عبادت و بیان آداب اسلامی و مناجات و نیایش اند.» (المساجد و احکامها فی التشریع الاسلام ۱۳۹۱/۸/۵)

۶- بیان سلسله مراتبی

۶-۱- شیوه جمع تشبیه و تنزیه در دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه و شاگردان شان: نفی هنر

تجملی و توجه به هنر برای محرومین و در عین حال ضرورت هنر برای عموم مردم است.

آنچه در بیان و سیره حضرت امام رحمته الله علیه مشاهده می‌شود تلاش برای برخورد سلسله مراتبی در شرایط گوناگون است. ایشان در پیامی که در ماههای آخر عمر خود به هنرمندان ارائه فرمودند توجه ویژه ای به تفاخری نشدن هنر با هدف اسلام داشته اند. به تعبیر ایشان: «تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده ی اسلام ناب محمّدی - صلی الله علیه و سلّم - اسلام ائمه هدی - علیهم السّلام - اسلام فقرای دردمند، اسلام پا برهنگان، اسلام تازیانه خوردگان تاریخ تلخ و شرم آور محرومیت‌ها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبنده ی سرمایه داری مدرن و کمونیسم خون آشام و نابودکننده ی اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط،

اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفّهین بی درد، و در یک کلمه «اسلام امریکایی» باشد...» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴۶)

این توجّه به طور خاص در دستور العمل ساخت مصلّی آشکارا مشهود است: «ان شاء الله در کنار ساختن مصلّی تهران، در ساختن بینش کفرستیزی مسلمانان موفّق باشید. ضمناً سادگی مصلّی باید یادآور سادگی محلّ عبادت مسلمانان صدر اسلام باشد. و شدیداً از زرق و برق ساختمانهای مساجد اسلام امریکایی جلوگیری شود. خداوند تمامی دست اندرکاران برپا کننده مساجد الله را تأیید فرماید.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۹)

اما برخی موارد نیز گویای دیدگاه ایجابی ایشان می باشد به عنوان نمونه، در بخشی از مصاحبه لوسین ژرژ در مصاحبه با امام درباره مسائل اوضاع سیاسی و اجتماعی می خوانیم: «... قبور این امامان در زیرگنبدی قرار دارد که از خارج طلا کاری است و تلالو و لمعان آن بی نهایت است. و از داخل نیز با هزاران آئینه درخشان آذین شده است. این دو امام (علی و حسین علیه السلام) و فرزندان امام حسین علیه السلام تا امام دوازدهم، همگی توسط غاصبان اموی و عباسی به قتل رسیده اند، مع ذلك این ثروت نمایان در متن فقری نهایت محیط تعجب آور نیست. و در واقع این امر خود بیانی است از حالت انتقام مردمان شیعی اندیش از غاصبان حق امامانشان.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۶۷)

همچنین درخصوص استفاده از علامات و نشانه های مذهبی در عزاداری های عاشورا که به بهای گزافی خریداری شده اند و حمل آنها از نظر شرعی موجبات اشکال است می فرمایند: «اشکالی ندارد.» (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲۸)

۶-۲- بررسی دیدگاه سلسله مراتبی سایر فقه های معاصر

همچنین این دیدگاه سلسله مراتبی را در دیدگاه برخی دیگر از مجتهدین معاصر نیز می توان مشاهده کرد.

آیت الله جوادی آملی نیز نسبت به اجازه تزئین و شکوه بخشی به مسجد فتوای احتیاط و کراهت دارند و در دو مسجد ساخته شده توسط خودشان (مسجد امام حسن عسگری علیه السلام)

در آمل^۱ و مسجد ولی عصر^{علیه السلام} در محله چهار مردان قم) سادگی قابل توجهی وجود دارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۰) ولی در مورد مزار نظرایشان نیز بر جواز نگاه تشبیهی است و در چند مورد كمك‌های مالی نسبت به بازسازی و تزئین و طلاکاری حرم امامان^{علیهم السلام} توسط ایشان صورت گرفته است.

آیت الله بهجت نیز فتواهای تنزیه گرایانه ای در مورد مسجد دارند بطور مثال ایشان در باب تزئین و پوشش مسجد می‌فرمایند:

«و مکروه است زیادتی در بالا بردن بنای متوسط مسجد، مگر آنکه مصالحی خالی از مفاسد، رفع کراحت نماید. مکروه است شرفه‌ها که بنا می‌شود در بالای دیوار مسجد و آن کنگره دیوار است و بنای عاریت در داخل و نه در دیوار مسجد جایز نیست...» (جامع المسائل، ۱۳۸۴)

«و محتمل است کراحت نماز در مساجد مزخرفه و مصوره...» (جامع المسائل، ۱۳۸۴) و حتی لزوم سادگی مساجد فرموده اند: «مستحب است مسجد دارای سقف نباشد، بلکه مکروه است تضلیل (سایه بان) به غیر از عریش که بویا باشد...» (جامع، ۱۳۸۴: ۹۱) ولی ایشان نیز نسبت به تعظیم شعائر در مزارها تأکید زیادی دارند و اقدامات مستقیمی در تجدید تزئینات طلاکاری گنبد حرم حضرت معصومه (س) و... توسط ایشان صورت گرفته است. همانگونه که آیت الله مسعودی خمینی (تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه (س)) مؤکد اصلی برای تعویض خشت‌های طلاکاری گنبد حرم را آیت الله بهجت معرفی می‌کند. (رضوانی پور، ۱۳۸۴: ۳۷)

تحلیل و تطبیق

خلاصه رویکردهای پنج گانه فوق را می‌توان در جدول زیر با هم مقایسه نمود:

۱. به تعبیر ایشان در ساخت این دو مسجد حساسیتهای لازم رعایت شده. ولی در نمازخانه موسسه اسراویا زیارتگاههای شیعه ضرورتی به رعایت این محدودیت‌ها نیست

عنوان رویکرد	ایجابی (تبلیغی)	سلبی (معرفتی)	تقدّم ایجابی بر سلبی	تقدّم سلبی بر ایجابی	نظریه جامع سلسله مراتبی
تبیین رویکرد	هنر عامل تعالی معرفتی	هنر مانع تعالی معرفتی	هنر برای جذب	هنر زبان بیان ناگفته ها	همه موارد
میزان اسلامی بودن هنرستانی	هنر بهترین تجلی اسلام عدم تمایز دنیا و دین	آثار فاخر کاملاً غیر اسلامی	در بیشتر موارد اسلامی	تا حدّ زیادی غیر اسلامی (کمتر از هنر مسیحی)	به طور نسبی در بیشتر موارد
علت سادگی هنر صدر اسلام	عدم امکانات	الگوسازی معرفتی	عدم امکانات	الگوسازی معرفتی	هر دو عامل فوق
نظریه پرداز هنر و معماری	رهنورد / نصر ندیمی	گرایار / ملکیان	بورکهارت / شوان	مددپور	-
فقها (آیات عظام)	مکارم شیرازی / صانعی	صادق تهرانی	-	جنّاتی	امام خمینی / جوادی آملی / بهجت

■ جدول ۱- رویکردهای موجود در زمینه نسبت هنر و معماری با اسلام (نگارندگان)

همانگونه که بیان گردید در رویکرد ایجابی با اعتقاد به آنکه تزئینات تجلی گاه معانی الهی هستند می توان از تشبیه سخن راند و در مقابل برخی از دیدگاه های سلبی در کاربرد تزئینات، به لزوم تنزیهی بودن هنر و معماری معتقدند و تنزیهی بودن را در نفی نمادپردازی می دانند؛ و برخی دیگر به لزوم رعایت اصل سادگی در حمایت از مستضعفین اشاره می کنند. مهمترین دستاورد رویکرد سلسله مراتبی امکان طبقه بندی و جمع بین رویکردهای

گونگون در معماری اسلامی است. به نظر می‌رسد بسیاری از نظریه پردازان از یک زاویه و با حساسیت به یک بعد اسلامی، از ابعاد دیگری غافل مانده‌اند و چنین مطالعه‌ای به ما نشان می‌دهد که بهتر است بر اساس هر موضوع سطح تشبیه آن متفاوت از موضوعات دیگر و به طور اختصاصی در نظر گرفته شود تا از ارائه احکام بر اساس مشابَهت از روی قیاس ذهنی پرهیز کنیم و تلاش نماییم معماری اسلامی را نزدیک تر به حقیقت اصلی آن و متناسب با سطح معرفتی مخاطب (تشبیه یا تنزیه) طراحی نماییم. تعیین دقیق حد تشبیه و تنزیه در موضوعات مختلف معماری از هدف این تحقیق خارج است و در تحقیقات دقیق بعدی باید مشخص گردد.^۱

۱. بحث در رابطه با تعیین حد تشبیه و تنزیه را می‌توان در رساله دکتری با عنوان "اصول طراحی بناهای مذهبی در نگرش شیعه" که توسط مهدی حمزه نژاد و به راهنمایی مهندس عبد الحمید نقره کار و دکتر غلامحسین معماریان در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه علم و صنعت ایران انجام پذیرفته مشاهده کرد. ولی این تحقیق نیز صرفاً به بناهای مذهبی می‌پردازد و لازم است در تحقیقات بعدی نسبت به امکان سنجی تعمیم این نظریه، بررسی‌های دقیق‌تری صورت گیرد.

* مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) آمل: کهن‌ترین مسجد آمل و کهن‌ترین حوزه علمیه ایران است. سازمان میراث فرهنگی تاریخ بنای این مسجد را سال ۱۴۰ ه‍.ق می‌دانند. بنای اصلی آن متعلق به قرن سوم قمری است و گلدسته هشت ضلعی با بامی سفالین زیبا ساخته شده که بر فراز مسجد واقع است متعلق به قرن ششم هجری قمری است. در برخی منابع نام این مسجد مسجد امام حسن آمده و برخی معتقدند که کلمه عسکری بعدها به آن اضافه شده است؛ و در برخی منابع آمده که امام حسن عسکری در این مسجد نماز گزارده و نام مسجد به نام او گردیده است. این مسجد در پایین بازار آمل واقع است. موضوع ورود امام حسن عسکری به مازندران هنوز مورد تردید است. احتمالاً این مسجد توسط ناصرالحق اطروش ساخته شده است. ناصر کبیر اسمش حسن بود و از آنجایی که ناصر فرمانروایی مذهبی بود مردم او را امام می‌نامیدند و این مسجد به نام او است که بعدها کلمه عسکری به آن اضافه شده است. ناصر کبیر مسجد را در قرن سوم هجری قمری ساخته است، در بیشتر منابع و دیدگاه‌های مردم یاد شده که به این مکان امام حسن عسکری آمده است.

* مسجد محله چهار مردان قم: در مورد ساخت آن مردم می‌گویند زمانی که رضاشاه به قم آمد در هنگام برگشت کاروان وی در کوچه‌های تنگ آن منطقه بسیار اذیت شدند لذا رضاشاه از مرکب خود فرود آمده و دو جا اعطایش راه زمین زده و می‌گوید سال بعد که به قم می‌آیم باید در این دو جا تا انتهای شهر خیابان کشیده شده باشد؛ مکان‌هایی که امروز خیابان‌های چهارمردان و آذر (طالقانی) هستند. منزل و دفتر آیت الله بروجردی که مهم‌ترین مرجع تقلید تاریخ حوزه علمیه قم است، در این خیابان قرار داشت.

نتیجه گیری

مراتب هنر اسلامی	هدف	کم ترین حد مخاطب	نمونه معماری متناسب با این مرتبه
هنر معماری تشبیهی	تبلیغ و جذب دین مناسک عام	عموم مردم برای حوائج مادی	زیارتگاه
هنر معماری تنزیهی - تشبیهی	مناسک ویژه پالایش معرفتی	افراد پذیرنده دین و در حال تکامل معرفتی	مسجد
هنر معماری تنزیهی	معرفت	بعد از مناسک ها تربیتهای خاص دینی	مصلی

■ جدول ۲- سه مرتبه هنر و معماری اسلامی براساس سلسله مراتب سه گانه اهداف دینی در نظریه جامع (نگارندگان)

تنها براساس آموزه های مطرح شده در نظر سلسله مراتبی، مساجدی (نظیر مسجد شیخ لطف ... اصفهان و مسجد گوهرشاد مشهد) که با استفاده از نورپردازی خاص و معناگرا، تزئینات متنوع، با زیبا رنگها و... بعد تشبیهی بنا را تقویت کرده و آن را به فضایی کاملاً ایجادگر حس روحانیت تبدیل کرده است چه بسا از حد مجاز تشبیه گرایی در مسجد خارج شده و به همین جهت همراه با نظر تنزیه گرایان باید به نقد آنها پرداخت و آنها را خارج از حدود اسلامی دانست. مسجد که باید مکانی باشد برای ارتباط با خدا نمی تواند این همه تشبیه را بپذیرد و سطح بالای تشبیه در آنها سبب ایجاد حالتی بت گونه و حرکت از معرفت گرایی به احساس گرایی می گردد. این حالت در برخی از مساجد با شکوه و پُر تجمل دنیای امروز و کشورهای عربی بسیار آشکارتر قابل نقد است. این همان مساجدی است که امام خمینی رحمته الله علیه با نام مساجد اسلام سرمایه داری یا اسلام آمریکایی از آن نام بردند. اما چنانچه این تزئینات برای مزار به کار می رفت اشکالی بر آن وارد نبود

چرا که هدف از مزار مشاهده الگویی تجسم یافته و تشبیهی از کمال است و وجود رویکرد تشبیهی در آن کاملاً با هدف آن سازگار است. با این حال نباید تفاوت سطح معرفتی را در زمانها و مکانهای مختلف و به همین جهت تفاوت در بیان حد تشبیه نادیده گرفت.

منابع فارسی

قرآن کریم

۱. بورکهارت، تیتوس. (۱۳۶۵). هنراسلامی، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: نشر سروش
۲. بورکهارت، تیتوس. (۱۳۷۶). ارزشهای جاویدان هنراسلامی، ترجمه سیدحسین نصر، علی تاجدینی (گردآورنده)
۳. بورکهارت، تیتوس. (۱۳۷۶). هنرمقدس، ترجمه جلال ستاری، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش
۴. بورکهارت، تیتوس. (۱۳۸۴). معانی رمزآئینه، ترجمه احمدرضا قائم مقامی، مصطفی دهقان (گردآورنده)
۵. بزند، باربارا. (۱۳۸۳). هنراسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: موسسه مطالعات هنراسلامی
۶. جناتی، محمدابراهیم. (۱۳۹۱). المساجد و احکامها فی التشریع الاسلام www.jannati.com ۱۳۹۱/۸/۵
۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). مصاحبه حضوری مولف در موسسه اسرا
۸. خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). دیدگاههای انسان شناختی قرآنی امام خمینی، مجله ی پژوهشهای قرآنی ۱۹ و ۲۰
۹. خمینی، روح الله. (۱۳۸۰). استفتائات امام، جلد دوم، چاپ پنجم، قم: دفترانتشارات اسلامی
۱۰. رضوانی پور، مهدی. (۱۳۸۴)، مقاله شناسی قم وکریمه اهل بیت، چاپ اول، قم: انتشارات زائر
۱۱. رهنورد، زهرا. (۱۳۷۸). حکمت هنراسلامی. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه
۱۲. شوان، فریتھیوف. (۱۳۷۶). اصول ومعیارهای هنرجهانی، ترجمه سید حسین نصر، علی تاجدینی (گردآورنده)
۱۳. صادقی تهرانی، (۱۳۸۹)، پاسخ به استفتاء نگارنده (متن سند نزد محققین موجوداست)
۱۴. قراملکی، احد فرامرز، (۱۳۸۵)، روش شناسی مطالعات دینی. انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۱۵. قرائتی، محسن. (۱۳۸۸)، تفسیرنور. تهران: مرکزفرهنگی درس هایی از قرآن
۱۶. گرابار، آگ. (۱۳۷۹). شکل گیری هنراسلامی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی
۱۷. گرابار، آگ. (۱۳۸۴). هنر، معماری و قرآن، دو فصلنامه اسلام پژوهی ۱ (پاییزوزمستان)

۱۸. گروت لیندا و دیوید وانگ، (۱۳۸۴) روشهای تحقیق در معماری. ترجمه علیرضا عینی فر. انتشارات دانشگاه تهران
۱۹. مددیور، محمد. (۱۳۷۴). تجلیات حکمت معنوی در ساحت هنر، تهران: انتشارات امیرکبیر
۲۰. ملاصدرا، (۱۳۹۲). شواهد الربوبیه. ترجمه علی بابایی، تهران: انتشارات مولی
۲۱. ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۰). وضعیت تفکر در ایران. سروش اندیشه ۱، زمستان ۱۳۸۰
۲۲. موسوی گیلانی، سیدرضی. (۱۳۹۰). درآمدی بر روش شناسی هنر اسلامی، قم: نشر ادیان و انتشارات مدرسه اسلامی هنر
۲۳. محسن قرائتی. (۱۳۸۸). تفسیر نور، سوره مبارکه صافات آیه ۶۰، صفحه ۶۶ و ۶۷، انتشارات فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران
۲۴. محمدتقی بهجت. (۱۳۸۴) جامع المسائل، انتشارات شفق قم
۲۵. ندیمی، هادی. (۱۳۷۸). حقیقت نقش؛ مجموعه مقالات دومین کنگره ارگ بم، ج. ۲. تهران: نشر میراث فرهنگی
۲۶. نصر، سیدحسین. (۱۳۷۵). هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: انتشارات دفتر مطالعات دینی
۲۷. نصر، سیدحسین. (۱۳۸۰). هنردینی، هنر سنتی، هنر مقدس: تفکراتی و تعاریفی، مهدی فیروزان (گردآورنده)
۲۸. نصر، سیدحسین. (۱۳۸۳). قلب اسلام. ترجمه سید مصطفی شهرآئینی، انتشارات حقیقت
۲۹. نصر، سیدحسین. (۱۳۸۶). کلمه الله و هنر اسلامی، ترجمه فرهاد ساسانی، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، ش ۷
۳۰. مکارم شیرازی. (۱۳۹۱) پاسخ به استفتائات : www.humanrights.irani.ir ، بازدید: ۱۳۹۱/۸/۵

منابع انگلیسی

۱. Burckhardt, T. (۱۹۸۷). Sacred Art in East and West: Its Principles and Methods. Translated by Lord. Northbourne. United State: World Wisdom
۲. Grabar, O. (۲۰۰۱). Art and Architecture in quran. G.E Jane Dammen MacAulisse (Editor), Encyclopedia of the quran. vo ۱۱ London: Brill
۳. Schuon, F. (۱۹۶۳). Understanding Islam. Foreword by Annemarie Schimmel. United States: world Widsom
۴. Nasr, S.H. (۱۹۹۹). The Spiritual Significance of Islamic art. Sophia. No ۲.

منابع عربی

۱. ألامام أبوبکر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خلاد بن عبيد الله العتكي المعروف بالبزار (۲۰۱۴) جلد ۱، البحر الزخار، المحقق صبری عبد الخالق الشافعي، الناشر: مكتبة العلوم والحكم